

تراژدی نوسازی روسیه

معادله امنیت و توسعه

تألیف

دکتر جهانگیر کرمی

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

رقیه کرامتی نیا

پژوهشگر مطالعات روسیه



شماره مسلسل ۹۹۴۰

شماره انتشار ۴۰۵۶

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: کرمی، جهانگیر، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور	: تراژدی نوسازی روسیه؛ معادله امنیت و توسعه/ تألیف جهانگیر کرمی، رقیه کرامتی‌نیا.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ظ، ۲۲۸ص: مصور، جدول
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۰۵۶.
شابک	: 978-964-03-7315-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: تجدید-- روسیه
موضوع	: تحولات اجتماعی-- روسیه
موضوع	: روسیه-- اوضاع اجتماعی
موضوع	: روسیه-- سیاست و حکومت
شناسه افزوده	: کرامتی نیا، رقیه، ۱۳۶۳-
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	: HN۵۲۳/۵/ک۴ت۴ ۱۳۹۸
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۹/۱۴۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۱۵۰۴۹

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.



عنوان: تراژدی نوسازی روسیه؛ معادلات امنیت و توسعه
تألیف دکتر جهانگیر کرمی - رقیه کرامتی‌نیا
ویرایش ادبی: فرشاد رضوان
نوبت چاپ: اول
تاریخ انتشار: ۱۳۹۸
شمارگان: ۲۰۰ نسخه
ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلفان است»

بها: ۳۳۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>
پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲



فهرست مطالب

پیشگفتار	خ
مقدمه	ز
فصل اول - مبانی نظری نوسازی	۱
گفتار یکم: نوگرایی	۱
گفتار دوم: نوسازی	۳
گفتار سوم: توسعه	۹
گفتار چهارم: الگوهای نوسازی	۱۲
فصل دوم - گذری بر تاریخ روسیه	۱۷
گفتار یکم: روسیه باستان	۱۸
گفتار دوم: عصر رومانفها	۲۲
گفتار سوم: دوران جدید	۲۵
فصل سوم - نخواستی در روسیه باستان	۳۷
گفتار یکم: شکوفایی کی‌یف	۳۷
گفتار دوم: ضعف و زوال تدریجی	۴۰
گفتار سوم: اشغال و جدایی از غرب	۴۱
فصل چهارم - نوزایی اروپا و واکنش روسیه	۴۵
گفتار یکم: زمینه‌های عینی و ذهنی	۴۶

گفتار دوم: گسترش تجارت با اروپا ۴۹

گفتار سوم: مجادلات اندیشه‌ای ۵۳

فصل پنجم - نوسازی در عصر امپراتوری ۶۱

گفتار یکم: پتر کبیر و اروپایی شدن ۶۱

گفتار دوم: غرب‌گرایی یا اسلاوگرایی ۶۵

گفتار سوم: پنجره‌های به‌سوی اروپا ۶۷

گفتار چهارم: تداوم نوسازی و کاترین کبیر ۷۳

گفتار پنجم: تراژدی کریمه و الکساندر دوم ۷۸

فصل ششم - نوسازی در دوران اتحاد شوروی ۸۹

گفتار یکم: جنگ و انقلاب ۸۹

گفتار دوم: گام‌های لرزان ۹۳

گفتار سوم: ساختن یک ابرقدرت ۹۵

گفتار چهارم: اصلاحات و ضداصلاحات ۱۰۰

گفتار پنجم: بازسازی و آزادسازی ۱۰۸

فصل هفتم - روند نوسازی در روسیه جدید ۱۱۳

گفتار یکم: یلتسین و نوسازی غربی ۱۱۳

گفتار دوم: پوتین و نوسازی دولت‌گرا ۱۱۹

گفتار سوم: اندیشه روسی نوسازی بومی ۱۳۲

گفتار چهارم: مسائل و پیامدها ۱۳۵

فصل هشتم - مقایسه الگوهای نوسازی روسیه ۱۴۳

گفتار یکم: نوسازی بدون مردم‌سالاری ۱۴۴

گفتار دوم: بسیج ملی برای نوسازی ۱۴۶

فهرست مطالب □ ج

۱۴۷	گفتار سوم: اقتدارگرایی حکومتی
۱۵۰	گفتار چهارم: نوسازی «از بالا»
۱۵۳	فصل نهم - عوامل جغرافیایی و نوسازی
۱۵۴	گفتار یکم: جغرافیای طبیعی
۱۵۹	گفتار دوم: بی‌کرانگی سرزمینی
۱۶۰	گفتار سوم: مشکل دسترسی دریایی
۱۶۱	گفتار چهارم: پراکندگی جمعیت
۱۶۵	فصل دهم - عوامل ساختاری و نوسازی
۱۶۵	گفتار یکم: تکوین تاریخی ملت
۱۷۲	گفتار دوم: فرهنگ سیاسی
۱۷۵	گفتار سوم: کارکرد دولت
۱۸۹	گفتار چهارم: پیامدها
۱۹۳	نتیجه‌گیری
۱۹۹	منابع و مآخذ
۱۹۹	الف) فارسی
۲۰۳	ب) روسی
۲۰۸	ج) انگلیسی

پیشگفتار

اگرچه نوسازی به‌عنوان یکی از مکاتب توسعه، مفهومی جدید و مربوط به پس از جنگ جهانی دوم است، اما به‌عنوان یک پدیده چندبعدی از اوان شکل‌گیری نوزایی و پیدایش اروپای مدرن و رویارویی ممالک پیرامونی و مقهور استعمار غربی مطرح شده و کوشش‌های گوناگونی از سوی دولت‌های تحت فشار غرب برای اقتباس فنون و ساختارهای جدید و نوسازی ملی به‌منظور بقا و دفاع از کیان خویش صورت گرفته است. از این‌رو، می‌توان مفهوم نوسازی را به معنای گسترده‌تری برای تحولات جوامع پیرامونی از سده پانزدهم و شانزدهم میلادی به بعد مطرح کرد.

بر این اساس، موضوع نوسازی به‌عنوان پدیده‌ای خاص تجربه جوامع غربی در سده‌های پس از رنسانس، از طریق استعمار به سایر جوامع و سرزمین‌ها کشیده شد و تمدن بورژوازی غرب از این طریق به شکافی جهانی دامن زد که هنوز هم آثار و عواقب آن در قالب جهانی شدن ادامه یافته است. این موضوع برای همه دولت‌ها و جوامع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و مسئله غرب و موضوع نوسازی به امری جهانی و مبتلابه همگان، به واکنش‌هایی جدی در موافقت یا مخالفت یا انطباق با آن تبدیل شده و کشورمان نیز در دو سده گذشته به اشکال مختلف با این پدیده روبه‌رو شده است.

نخستین مواجهه جدی ایرانیان با نوسازی از طریق جنگ‌های ایران و روس بود که به‌دنبال شکست ایرانیان و قراردادهای ترکمانچای و گلستان، مسئله پیروزی روس‌ها و جست‌وجوی علل و عوامل آن به موضوع مهمی برای دربار و دارالحکومه تهران و تبریز تبدیل شد و خسرومیرزا جمعی از ایرانیان را به روسیه فرستاد تا دریابند که چرا آنها در این نبردها دست بالا داشته‌اند. محصول این سفر که بعدها در کتاب «سفرنامه خسرومیرزا به پترزبورگ» آمده است، توجه به «ترتیبات و نظامات نو» در جامعه و دولت روس بود. اعزام محصلان ایرانی به اروپا در نتیجه چنین مواجهه‌ای صورت گرفت و به این ترتیب نخستین رویارویی‌های ایرانیان و نوسازی غربی پدید آمد که هنوز هم این

مسئله، به‌عنوان یک مجادله و مشکل اساسی در جامعه فکری و در میان نخبگان ایرانی مطرح است.

پس از آشنایی ایرانیان با تحولات جدید غرب و به‌ویژه تأثیر ایرانیان مهاجر در مناطق قفقاز (مانند زین‌العابدین مراغه‌ای و دیگران) و آثاری چون کتاب سیاحتنامه ابراهیم‌بیگ (که بر روند مشروطه‌خواهی ایرانیان تأثیر مهمی داشتند) بخش مهمی از نوگرایی ایرانی در کنار تحولات امپراتوری عثمانی متأثر از امواج نوگرایی روسی بود، به‌طوری که بلافاصله پس از انقلاب مشروطه ۱۹۰۵ روسیه، سال بعد نیز انقلاب مشروطه در ایران روی داد و در حوادث بعدی نیز جامعه و سیاست ایرانی از تحولات روسیه متأثر شد و تنها پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بود که انگلیسی‌ها در واکنش به آن و برای دور کردن خطر کمونیسم از حوزه نفوذ منطقه‌ای خود، در مناطق پیرامونی به کودتا و تقویت نظام‌های حکومتی منطقه و سپس مجموعه‌ای از پیمان‌های منطقه‌ای مانند سعدآباد، بغداد و سنتو پرداختند.

با فروپاشی شوروی و ایجاد روسیه جدید بر بقایای آن نظام، امروز نیز نوع مواجهه مسکو با غرب و پیامدهای عملی آن برای ایران اهمیت یافته است؛ به‌طوری که چه در اندیشه‌های بومی ضدغربی در فدراسیون روسیه و چه جریان‌های غرب‌گرا و آتلانتیک‌نگر یا میانه‌روی موسوم به اوراسیاگرا، نوعی مشابهت میان این جریان‌ها در ایران هم وجود دارد و به مجادلاتی در جامعه علمی و دانشگاهی ایران نیز منجر شده است که محل تأمل و تتبع هستند.

از این‌رو درمی‌یابیم که برای شناخت نوسازی و نوگرایی در ایران، آشنایی با این پدیده در قلمروهای مجاور، از جمله روند تاریخی در امپراتوری عثمانی و امپراتوری روسیه و تجربیاتی که در اقتباس‌گرایی یا مواجهه‌جویی با آن وجود داشته، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است و در این میان، فدراسیون روسیه که هم در غرب‌گرایی محض در دوره‌هایی چون پتر، کاترین، الکساندر دوم و یلتسین و هم ضدیت همه‌جانبه با غرب در دوره کمونیسم تجربیاتی تام دارد؛ برای جامعه و حکومت ایرانی که کمابیش از تجربیات مشابهی برخوردار است، شایان آموزه‌ها و درس‌های قابل تأملی است.

پیشگفتار □ ذ

ویژگی مهم روسیه در موضوع نوسازی و رویارویی با مسئله غرب آن است که در شمار نخستین سرزمین‌هایی محسوب می‌شود که به‌لحاظ جغرافیایی و تاریخی در معرض آثار و نتایج این پدیده بوده و با وجود این، برخلاف ملت‌هایی چون هند، چین، ژاپن و سایر ممالک، نتوانست تکلیف خود را روشن کند و در نتیجه این وضعیت است که هنوز هم نه تکلیف نوسازی و غرب روشن شده و نه جامعه روسی به اجماعی جدی در این رابطه رسیده است. از این جهات نیز شباهت‌هایی میان روسیه و ایران وجود دارد که بررسی شکل‌گیری، روند و سرگذشت نوسازی روسی را به موضوع مهمی برای جامعه علمی و دانشگاهی کشورمان تبدیل می‌کند.

نگارندگان مدعی نیستند که در این اثر به نتایجی نهایی برای فهم نوسازی روسی و آثار و عواقب آن و نیز درس‌هایش برای ایران دست یافته‌اند، بلکه این متن را در کنار دیگر آثار اندک موجود به زبان فارسی، آغازی برای تعمق و تتبع بیشتر در این باب و پرداختن به ابعاد و زوایای مهم آن و گفت‌وگوی علمی پیرامون آن را امر مؤثری بر نوسازی ایرانی می‌دانند؛ چرا که باور داریم بدون رسیدن به اجماعی جدی از طریق نخبگان ملی، تکلیف امر مهم نوسازی روشن نخواهد شد.

مقدمه

گرایش به ترقی و پیشرفت از زمان پیدایش انسان و نخستین جوامع بشری وجود داشته و انسان‌ها همواره در پی بهبود و تحول اوضاع جوامع و محیط پیرامونی خود بوده‌اند، اما مفهوم «نوسازی» از یک دگردیسی و تحول پارادایمی در نگاه به انسان و جهان حکایت دارد که پس از رنسانس غربی و تحت تأثیر انقلاب صنعتی و روند رو به رشد مدرنیزاسیون¹ در غرب و توسعه ارتباطات، به صورت نیازی برای ممالک مختلف درآمد است. در حقیقت، در دوره پس از رنسانس و ظهور عصر تجدد و مدرنیته بود که مفهوم ترقی و توسعه به عنوان امری جدی و اساسی و به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی آن و در کنار عناصری چون عقل‌گرایی، انسان‌گرایی و فردگرایی مطرح می‌شود. به تعبیری، دستاوردهای حیرت‌انگیز علم و صنعت به ظهور پیشرفت و نوگرایی انجامید که سنت را به مبارزه طلبیدند. روند نوسازی و صنعتی‌شدن و حرکت به سوی یک جهان جدید در جوامع غربی به صورت آرام، تدریجی، خودجوش و از بستر شرایط خاص هر جامعه شکل گرفت و از سده‌های بعدی این مسئله جوامع دیگر را نیز درگیر کرد.

یکی از جوامعی که موضوع نوسازی از همان ابتدای طرح و توسعه آن در غرب، برایش اهمیت یافت، روسیه بود که از سده شانزدهم به شکل محدود و سپس به تدریج به شکل گسترده‌تری با این مسئله رویارو شد. اگرچه نباید شرایط بعدی روسیه و مسئله نوسازی را عیناً به شرایط آن دوره تسری داد، با یکسری جنگ‌ها و شکست در آنها، دولت روسیه متوجه اتفاقات جدیدی شد که تا پیش از آن سابقه نداشت. دولت در روسیه از اواخر سده پانزدهم م. با استقلال از تاتارها رونق گرفت و در سده شانزدهم قدرت مهمی شد که در داخل از رونق اقتصادی شایان توجهی برخوردار بود. در آن دوره شهرهای روسیه بسیار آباد بودند و تعدادشان نیز از ۱۰۰ شهر به ۱۶۰ شهر گسترش

1- Modernization

یافته بود. طبقه‌ای از تجار شکل گرفت و مسکو نیز بزرگ‌ترین مرکز تجارت داخلی بود و تجارت خارجی با کشورهای دیگر در جهات غرب و جنوب گسترش چشمگیری یافت. در این دوره عمدتاً مواد خوراکی به غرب صادر و کالاهای صنعتی، پارچه، سلاح و دارو از غرب وارد می‌شد. از همین‌جا تفاوت روسیه نسبت به همسایگان اروپایی آن بارز بود؛ بنابراین از همین سال‌هاست که موضوع صنعتی شدن و نوسازی صنعتی در سرزمین روسیه مطرح شد و سپس در اواخر سده هفدهم، در دوران حاکمیت پتر کبیر (۱۷۲۵-۱۶۸۲) به‌طور جدی‌تر ادامه یافت و به جهش مؤثری در راستای نوسازی روسیه تبدیل شد. پس از پتر کبیر تلاش‌های گسترده‌ای نیز توسط الکساندر دوم در سده نوزدهم برای نوسازی در روسیه صورت گرفت. با این‌حال، دومین جهش شایان توجه نوسازی، بعدها در سده بیستم و دوران اتحاد شوروی در راستای تقویت بنای سوسیالیسم در تقابل با کاپیتالیسم، توسط استالین به شکل صنعتی‌سازی و با استفاده از روش‌های قهری، ارباب و سرکوب، در سطح وسیعی اجرا و پیگیری شد.

اینک در سده بیست و یکم نیز همچنان موضوع نوسازی از سوی محافل حاکم در روسیه مطرح و به‌طور جدی از سوی تحلیلگران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیگیری می‌شود. به‌طور مشخص دیمیتری مدودیف در دوران ریاست جمهوری خود در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲، بر لزوم نوسازی در روسیه تأکید می‌کرد.

اما مسئله‌ای که در رابطه با نوسازی روسیه اهمیت زیادی دارد، این واقعیت است که با وجود دیرپایی توجه به آن و انجام برنامه‌های بزرگ و دستیابی به موفقیت‌های گسترده، این امر همچنان به‌عنوان یک مسئله یا پارادوکس^۱ برای روسیه مطرح است و به بیان روشن‌تر، هنوز هم دولت روسیه این پروژه بزرگ را به سرانجام نرسانده و همواره پس از دوره‌های نوسازی، شاهد بازگشت به قبل از آن بوده، گویی این سرزمین در دور باطلی از نوسازی و کهنگی گرفتار آمده است. از این رو می‌توان نوسازی را یک «تراژدی بزرگ» در جامعه و حکومت روسیه دانست که با وجود نزدیک به پنج سده

مقدمه □ ش

درگیری مستقیم و غیرمستقیم با آن، اما همچنان به عنوان معضل و چالشی بنیادین پابرجا مانده است.

هدف اصلی این کتاب ارائه پاسخی به مسئله مذکور و نیز پرسش‌هایی است که در رابطه با آغاز، روند و انجام این موضوع مطرح می‌شوند. اینکه چه عواملی در شکل‌گیری روند نوسازی در دوران مختلف تاریخی و معاصر روسیه نقش‌آفرین بوده‌اند؟ مهم‌ترین دوره‌های نوسازی و به عبارتی جهش‌های نوسازی در روسیه مربوط به کدام مقطع زمانی می‌شوند؟ چرا هنوز هم پس از سی سال از زمان فروپاشی شوروی، روسیه همچنان در برابر فشارهای اقتصادی غرب این‌گونه آسیب‌پذیر است و همچنان اندیشمندان روس از مشکل نوسازی در این کشور سخن می‌گویند؟

محور اصلی مباحث در این اثر، اغلب در راستای پاسخ به این پرسش اصلی تنظیم شده‌اند که چرا نوسازی در روسیه، مسیری را نپیمود که هم‌تایان غربی آن طی کرده‌اند؟ و چگونه این روند در روسیه نه به توسعه سیاسی رسید و نه به لحاظ اقتصادی روسیه را از وابستگی به غرب بی‌نیاز کرد؟

ایده‌ای که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که حسب شرایط خاص جغرافیایی و تاریخی تکوین ملت و دولت روسی، همواره جامعه روس به یک دولت مقتدر و متمرکز نیازمند بوده و تمرکز قدرت دولت و اقتدار تام آن به نوبه خود، بسترهایی را فراهم کرده که در نتیجه آن، نوسازی در روسیه بیشتر از طریق دولت و اغلب هم به شکل اقتصادی و صنعتی بود و به افزایش قدرت و اقتدار دولت و در نهایت تضعیف نوسازی سیاسی و سطحی مانند نوسازی اقتصادی انجامیده است». از این نگاه، «به‌دلیل دولتی‌بودن نوسازی، هیچ‌گاه این امر ژرفای اجتماعی لازم را برای رقابت‌پذیری و ابتکارجویی نیافت و در بستر اقتصاد عمومی این سرزمین ماندگار نشد و در نتیجه، به‌ناچار همچنان سطحی و آسیب‌پذیر مانده است». این موضوع مسئله نوسازی و اصلاحات روسیه را به شکل یک تراژدی درآورده و همچون معمایی حل‌نشده باقی‌گذاشته است. به‌طوری که شرایط محیطی، وجود دولتی قدرتمند را ضروری می‌کند و دولت قدرتمند روسی نیز، حسب تهدیدهای محیطی داخلی و خارجی، نیازمند نوسازی و توسعه بوده و این موضوع

را بیشتر خود متکفل می‌شود، اما با وجود موفقیت اولیه، از تداوم آن در رقابت جهانی ناکام می‌ماند.

آنچه حتی امروزه نیز روسیه در اثر تحریم غرب، با آن دست به گریبان است، به‌خوبی چنین مشکلی را نشان می‌دهد. آسیب‌پذیری‌های اقتصادی روسیه در برابر این تحریم‌ها، در پایه و بنیاد، ناشی از ژرفانیافتگی فناوری و نبود نقش مؤثر بخش خصوصی و به بیان بهتر نبود ریشه‌های اجتماعی نوآوری، ابداع و خلاقیت است و وجود دولت قدرتمند در همه حوزه‌ها و از جمله در حوزه اقتصادی، امکان پرورش اجتماعی دانش فنی را محدود کرده است.

مادامی که دولت به اقتباس فناوری از غرب روی بیاورد، درحالی که بخش خصوصی قدرتمندی وجود ندارد که در سطح ملی، فناوری‌ها را رقابت‌پذیر و از این طریق، قدرت رقابت بین‌المللی را کسب کند، امکان فراتر رفتن از فناوری اقتباسی وجود ندارد و هر پیشرفتی به گسترش ظرفیت‌های موجود در درون همان پارادایم یا موج فناوری محدود باقی مانده است.

برای بررسی ایده مطرح‌شده، کوشیده‌ایم تا نگاهی تاریخی به این مقوله داشته باشیم. مسیر تاریخی روسیه مراحل گوناگونی را از دوران روس کی‌یفی، حاکمیت تاتارها، دولت مسکوی، دوران پتر و عصر امپراتوری، شوروی کمونیستی و سرانجام روسیه جدید پسا شوروی گذرانده است. بنابراین، در این کتاب، سعی شد به‌منظور ارزیابی بهتر از نوسازی سیاسی و ناهمسو بودن آن با نوسازی اقتصادی در روسیه امروز، ویژگی‌های خاص هر دوره، به‌ویژه دوره‌های پس از سده پانزدهم در نظر گرفته شود و همچنین با گذری تاریخی به بررسی بسترها و عوامل پایدار اثرگذار بر ماهیت الگوی نوسازی و توسعه روسی بپردازیم.

وقتی سیر تاریخی روسیه را از منظر نوسازی و توسعه بررسی می‌کنیم، با افت‌وخیزهایی در این زمینه مواجه می‌شویم که شاید معرف الگوهای خاصی باشد. جامعه روسیه از دوره‌ای از روند توسعه طبیعی خود بازماند و در دوره‌های بعد، به‌منظور جبران راه بازمانده، توسعه شتابانی را در پیش گرفت و سعی داشت خود را به پای

مقدمه □ ض

همسایگان اروپایی خود برساند. با این حال، روسیه در این شتاب فزاینده، از ادامه مسیر سر باز می‌زد و حتی چند گام به عقب برمی‌داشت. چنین روندهایی بارها در تاریخ روسیه مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که هر دوره اصلاحات با دوره ضداصلاحات همراه شد.

در این کتاب سعی شده است بر مبنای پژوهشی توصیفی-تحلیلی و بیشتر با استناد به منابع و داده‌های روسی، سیر تاریخی نوسازی سیاسی و اقتصادی در روسیه و تأثیر متقابل هر کدام از آنها بر دیگری، بررسی شود. مباحث این کتاب همچنین، به شدت و ضعف اقدامات و سیاست‌های حاکمیت روسی در راستای نوسازی سیاسی و اقتصادی اشاره می‌کند. افزون بر این، ارائه تعریف‌ها و دیدگاه‌های گوناگون درباره نوسازی نیز از ملزومات مباحث این کتاب است که در حد لازم، به آن توجه شده است.

برای بسط ایده اصلی، در این کتاب تبارشناسی و روند تکوین نوسازی در دوران تاریخی و معاصر روسیه و تحلیل عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر آن مطرح و بر مبنای آن فصل‌های لازم ارائه شده است.

ساختار کتاب با توجه به اهداف پژوهش، متشکل از مقدمه و هشت فصل است. در فصل نخست به مبانی نظری نوسازی می‌پردازیم. هدف از این مباحث روشن کردن مفهوم نوسازی و مفاهیم مرتبط با آن، همانند توسعه، نوگرایی و تجدد برای جلوگیری از خلط معنایی و نیز شیوه‌های نظری و عملی نوسازی و ارائه چارچوبی تحلیلی برای خواننده است.

فصل دوم به سیر کوتاهی در تاریخ روسیه از دوران کهن تا دوره جدید اختصاص دارد. ارائه این فصل بیشتر از آن جنبه است که مخاطب را برای ورود به مباحث اصلی کتاب (که در جریان تحولات تاریخی مطرح خواهد شد) آماده کند. از آنجا که بخش عمده‌ای از کتاب به تحولات و تغییرات مرتبط با نوسازی در دولت و جامعه روسیه مربوط می‌شود، در این فصل برای جلوگیری از تکرار مطالب، از ذکر موارد مرتبط با توسعه و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خودداری شده و صرفاً مرور مختصری بر روند تاریخ روسیه مد نظر قرار گرفته است.

در فصل سوم ضمن بیان نمونها و نمونه‌هایی از نشانه‌های نوسازی در دوره‌های کهن تاریخی، روند تغییر و تحولات دولت و جامعه روسی در دوره‌های روس کی‌یفی و حاکمیت اردوی زرین و یوغ مغول یعنی تا دوره پیش از شکل‌گیری دولت مسکوی بررسی خواهد شد. این فصل شاید تغییر و دگرذیسی عمیقی را که جامعه و دولت روسی از روس کی‌یفی همگام با اروپای غربی، به دولت مسکوی بازمانده از آن، تجربه کرده است (که در فصل آتی بعد بررسی خواهد شد) روشن کند.

در فصل چهارم که در واقع به دوره شکل‌گیری دولت مسکوی و استقلال روسیه اختصاص دارد، نخستین جرقه‌های توجه روسیه به غرب و نوسازی غربی، طرح و بررسی می‌شود. این فصل برای درک و تحلیل بهتر فصل بعدی که به عصر امپراتوری اختصاص دارد و در آن به جهش‌های آنی روسیه در راستای نوسازی در دوره پتر کبیر اشاره خواهد شد، کمک خواهد کرد. نمونه‌هایی که در این فصل بیان می‌شوند، این واقعیت را روشن می‌کنند که توجه روسیه به امر نوسازی و قرار گرفتن در مسیر آن، هرچند با گام‌های آرام، اما پیش از پتر کبیر آغاز شده بود.

فصل پنجم به روند نوسازی در عصر امپراتوری اختصاص یافته و در واقع، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین فصلی است که مسئله نوسازی در روسیه را مطرح می‌کند. طرح مباحث مربوط به اصلاحات پتر کبیر که شالوده اصلی نوسازی روسی را تشکیل می‌دهد، اصلاحات کاترین دوم و پس از آن الکساندر دوم، از مهم‌ترین مباحثی هستند که در این فصل بیان خواهند شد.

فصل ششم نیز بر نوسازی در دوران حاکمیت کمونیستی تمرکز دارد. شاید بتوان گفت اهمیت این دوره از نظر مباحث نوسازی با دوره پتر کبیر قابل قیاس است؛ هرچند تفاوت‌های عمیقی بین این دو دوره تاریخی وجود دارد و هر کدام اهمیت خاص خود را در تاریخ روسیه دارند. با این حال، جهش نوسازی روسیه در دوره استالین به قدری شایان توجه است که نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. بنابراین، این فصل ضمن شرح و بسط تغییرات بنیادینی که در شکل و شیوه حکومت در این دوره ایجاد شد، به مهم‌ترین

مقدمه □ ظ

تحولات مرتبط با نوسازی روسی در دوره شوروی می‌پردازد و علاوه بر آن جنبه‌های عمیقاً متضاد نوسازی اقتصادی و سیاسی در این دوره را بررسی می‌کند.

فصل هفتم به روند نوسازی در روسیه جدید اختصاص دارد که در ذیل بخش‌های یلتسین و نوسازی غربی، پوتین و نوسازی دولت‌گرا، مدودیف و بازانیشی نوسازی و سرانجام تحلیل و نقد نوسازی دوره جدید آمده است. توجه به دوره‌های تاریخی در فصل‌های گذشته، موجب پیدایی شواهد و نشانه‌هایی شد که امکان ترسیم الگوهای خاصی را برای نوسازی روسی در فصل بعدی فراهم آورده است.

بنابراین، پس از طرح مباحثی که در واقع بر سیر تحولات و رویدادهای مرتبط با موضوع کتاب تمرکز دارد؛ در فصل هشتم، به مقایسه الگوهای نوسازی روسیه پرداخته‌ایم. نوسازی بدون مردم‌سالاری، بسیج ملی برای نوسازی، اقتدارگرایی و نوسازی از بالا، مهم‌ترین مواردی هستند که نگارندگان با بررسی ماهیت نوسازی روسیه به آن دست پیدا کرده‌اند.

در فصل نهم عوامل جغرافیایی مؤثر بر نوسازی بررسی شده‌اند. این عوامل در قالب جغرافیای طبیعی، بی‌کرانگی سرزمینی و آسیب‌پذیری مرزها، مشکل دسترسی دریایی و پراکندگی جمعیت مطرح می‌شوند. سرانجام در فصل دهم به نقش و کارکرد عوامل ساختاری مانند دولت و نتایج نوسازی پرداخته‌ایم و در پایان نیز نتیجه‌گیری نهایی از مباحث کتاب به خوانندگان ارائه شده است.

در پایان باید از زحمات شورای بررسی کتب علوم انسانی دانشگاه تهران و استادانی که در این رابطه نقش مؤثری داشته‌اند به‌ویژه دکتر الهه کولایی، دکتر عباس ملکی، دکتر مهدی سنایی، دکتر محمود شوری و دکتر زهرا محمدی تشکر نماییم. همچنین باید از مرحوم دکتر عنایت‌الله رضا یاد کنیم که در شناخت مبانی فکری و فلسفی جامعه و دولت روسی، برای نسل کنونی ما منشأ اثر بوده‌اند و به روان آن مرحوم درود می‌فرستیم. و نیز از دست‌اندرکاران انتشارات دانشگاه تهران که در تسهیل نشر این اثر مساعدت کرده‌اند و نیز ویراستار ادبی محترم کتاب کمال امتنان و سپاس را داریم.